



بنیاد کشورهای عرب خلیج فارس در واشنگتن گزارش می‌دهد:

نسل جدید پادشاهان در کشورهای عرب خلیج فارس

گزارش «نسل جدید پادشاهان و پویایی‌های جانشینی در کشورهای عرب خلیج فارس» با عنوان اصلی «توسط کریستین اسمیت دیون به نگارش درآمده است. این گزارش را بنیاد کشورهای عرب خلیج فارس در واشنگتن در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۷ منتشر کرده است. ۴۷»

از آنجا که پادشاهی‌های عرب خلیج فارس با مرحله انتقال نسل در رهبری مواجه هستند، چالش‌های جدیدی ظهور یافته‌اند. این رقابت شدید بر سر تاج و تخت، توأم شده است با محیط‌های اطلاعاتی که عمیقاً دچار دگرگونی شده‌اند؛ جوامعی که دارای تحصیلات بیشتری هستند و بیشتر در امور دولتی مشارکت دارند؛ و یک محیط منطقه‌ای بی‌ثبات که بستری برای منازعه است. این نیروها مانع تداوم هنجارهای درازدانی می‌شوند که تعاملات حاکم بر خانواده‌های سلطنتی را تنظیم می‌کنند و در اینجا این سؤال مهم پیش می‌آید که آیا رقابت بر سر سلطنت به ثبات سیاسی کمک می‌کند یا نه.

پژوهش حاضر، این پویایی‌های معاصر، یعنی رقابت نسل جدید، و سوسه‌ها س پوپولیستی، حامیان خارجی و محیط اطلاعاتی جدید را بررسی می‌کند و تأثیر آن را بر روی خانواده‌های حاکم بر کشورهای خلیج فارس نشان می‌دهد. هرچند این گزارش نمونه‌هایی را از سراسر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مورد توجه قرار می‌دهد، اما بر دو کشوری تمرکز دارد که در آنها رقابت بر سر رهبری در میان نسل بعدی شدیدتر است:

عربستان سعودی

کویت

این مقاله، پس از توضیح قوانین رسمی و غیررسمی که تعاملات و جانشینی خانواده حاکم را تنظیم می‌کند، به بررسی این مسأله می‌پردازد که چگونه گذار از نسل بنیان‌گذاران پادشاهی‌ها موجب آغاز خصومت‌ها و جاه‌طلبی‌ها شده است. سه کشوری که این گذار را در دهه ۱۹۹۰ انجام داده‌اند امارات متحده عربی، قطر و بحرین - تغییرات قابل توجهی را در این مسیر تجربه کرده‌اند، چرا که پادشاهان جوان به دنبال آن بودند تا رد پای خود را در سیاست داخلی و سیاست خارجی به جای بگذارند. دو سلطان نشینی که هنوز این گذار را پشت سر نگذاشته‌اند، شاهد رقابت شدیدتری در میان نسل جدید بر سر رهبری هستند. گذار از برادران و پسرعموها در عربستان سعودی و کویت به پسران و نوه‌های آنها به معنای جدا

کردن طبیعی خطوط حاکم است: کاهش سرنوشت‌ساز تعداد نخبگان حاکم، پیامدهایی مهم برای آینده و چشم‌اندازهای آتی قدرت دارد. رقابت‌های برآمده از این وضعیت، رقیبان سلطنت را به ورای ائتلاف‌های فامیلی سوق می‌دهد تا به یاری حوزه‌های اجتماعی داخلی و متحدان خارجی، ادعاهای خود را در مورد تاج و تخت تحکیم بخشند.

صف‌آرایی شاهزادگان رقیب در حوزه‌های اجتماعی می‌تواند بستری برای مشارکت بیشتر مردم در پادشاهی‌ها فراهم کند. اما این مسأله می‌تواند تقسیم‌بندی‌های اجتماعی را نیز تشدید کند: فرقه‌گرایی در بحرین و کویت، تقسیم‌بندی شهری و قبیله‌ای در کویت، و دو دستگی اسلام‌گرا-لیبرال در عربستان سعودی. صف‌بندی‌ها بر سر سلطنت در سراسر خلیج فارس، همچنین می‌تواند باعث تقویت روابط میان دولت‌ها شود، مانند روابط تنگاتنگ میان عربستان سعودی و امارات متحده عربی، و عربستان سعودی و بحرین، اما ممکن است این مسأله نتیجه عکس نیز در پی داشته باشد، یعنی شرایطی که کشوری احساس کند که متحدانش در یک نبرد جناحی جانب یکی از طرفین را گرفته است. روابط عربستان و قطر در گذشته از این مسأله آسیب دیده است و روابط امارات و عربستان ممکن است به واسطه ولیعهد یعنی محمد بن نایف آل سعود آسیب ببیند.

برای خانواده حاکم در بیرون از دربار نیز خطراتی وجود دارد، به عنوان نمونه خطراتی که در محیط اطلاعاتی به واسطه درز اخبار، عمدی یا سهوی، نهفته است، که به سرعت همه‌جا پخش می‌شود و تبعات بسیاری به دنبال دارد. عربستان سعودی و کویت شاهد آن هستند که مخالفان سلطنت از طریق رسانه‌های اجتماعی و سنتی، اتهامات علیه رقبای خود را علنی می‌کنند. شاهزادگانی که از چرخه قدرت حذف می‌شوند - رویدادی شایع در میان خانواده‌های سلطنتی که بسیار پرشمار شده است - ممکن است وسوسه شوند که از تبلیغات برای یافتن موقعیتی بهتر در خانواده حاکم استفاده کنند. همه این اقدامات، خط سیر واحد و معمول رسیدن به سلطنت را به چالش می‌کشد و اگر از حدی فراتر برود احترام و اطاعت عامه از خانواده حاکم را تضعیف خواهد کرد.

تاکنون، رقابت بر سر تاج و تخت به منازعات خشونت‌آمیز برای قدرت یا اختلافات دائمی خطرناک منجر نشده است، که نشان می‌دهد مدل سنتی نان به نرخ روز خوردن [۱] و تبعیت از برنده همچنان ادامه دارد. با وجود این، کشمکش برای رهبری نسل بعدی، حتی اگر در نهایت به خوبی حل و فصل شود، می‌تواند به‌طور موقت موجب بی‌ثباتی شود. عدم کارایی پارلمان کویت، راهبردهای شکست خورده بحرین در مقابل مخالفان شیعه، مداخله جسورانه عربستان سعودی در یمن و تلاش‌های جاه‌طلبانه برای اصلاحات اقتصادی، ریشه در رقابت‌های تفرقه‌برانگیز دارند. به طرز روزافزونی، هم شهروندان خلیج فارس و هم متحدان کشورهای خلیج فارس، ممکن است نیاز به تعدیل و تنظیم انتظارات و محاسبات خود داشته باشند، چرا که استراتژی‌های رقابتی و گاهی ایدئولوژی‌ها مفهوم رهبری واحد را تضعیف می‌کنند.

برای دریافت و مطالعه متن کامل این گزارش ترجمه‌شده از لینک دانلود زیر استفاده کنید.